



یاد خدا

زندگی‌های مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو حیات واقعی انسان را نشانه می‌گیرد، برای مبارزه با آن جز یاد خدا و با تمام وجود به یاد خدا بودن مؤثر نخواهد بود.

شایان توجه است که قرآن فرمود: زیاد و پیوسته به یاد خدا باشید و این به این معناست که یاد خدا باید بر همه اعمال انسان پرتو افکن بوده و بر آن نور و روشنایی بیفکند و در همه صحنه‌های زندگی انگیزه مناسب الهی با یاد خدا برای عبادت و اطاعت بوجود خواهد آمد.

و به عبارت دیگر: هنگامی که یاد خدا برده می‌شود یک دنیا عظمت، قدرت، علم و حکمت در قلب انسان متجلی می‌گردد. زیرا خدای سبحان دارای اسماء حسنی و صفات علیا و صاحب تمام کمالات و منزّه از هرگونه عیب و نقص است، توجه مداوم به چنین حقیقتی که دارای چنان اوصافی است روح انسان را به نیکی‌ها و پاکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها پیراسته می‌دارد و در واقع اوصاف جمال الهی در آدمی تجلی

انسان با ایمانی که در جهت لقاء الهی و رستگاری و نجات خود در تلاش است نیازمند به دو نیروی توان بخش و حرکت آفرین و نگاه‌دارنده است. آن چه که در انسان تحزک ایجاد می‌کند یاد خدا و صفات جلال و جمال او و نعمت‌های بی‌پایانش است و آن چه که بازدارنده از موانعی چون خود بینی‌ها و تجاوزها است همانا یاد خداست.

از این رو قرآن کریم فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلاً»^(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گویند و او را به پاکی یاد کنید.»

انسانی که به یاد خدا باشد هم وظائف خود را برای رسیدن به لقاء الله به درستی انجام می‌دهد و هم از معصیت و نافرمانی اجتناب می‌کند. زیرا یاد خدا یعنی توجه به سرچشمه قدرت روحی و معنوی و عامل سعادت و کمال. از آن جایی که عوامل غفلت در

هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب و هدفی دارد که برای تحقق بخشیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند. زمانی انسان در راه رسیدن به هدف و مطلوب تلاش می‌کند که از سویی از نیروی تحزک بخش و انگیزاننده به سوی آن چه که مطلوب اوست برخوردار باشد و از سویی از نیروی بازدارنده و نگاه دارنده از آن چه که مانع رسیدن او به مطلوب یا موجب کندی پیشرفت او می‌گردد بهره‌مند باشد، و به عبارت دیگر: انسان در تلاش‌های فردی و اجتماعی خود به انگیزه احتیاج دارد تا در او تحزک ایجاد کند و او را وادار سازد به سوی مطلوب و هدف حرکت کند و به نیروی بازدارنده‌ای نیازمند است تا موانع رسیدن به مطلوب را کنار زند. از این رو انسان‌هایی که در زندگی هدف آن‌ها تأمین نیازهای مادی است انگیزاننده او جلب منفعت و بازدارنده او دفع ضرر است یعنی هرچه که سبب جلب منفعت بیشتر او گردد و سود بیشتری را متوجه او کند از آن استقبال می‌کند و هرچه که موجب ضرر شود از آن گریزان است.



زندگی‌های مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو حیات واقعی انسان را نشانه می‌گیرد، برای مبارزه با آن جز یاد خدا و با تمام وجود به یاد خدا بودن مؤثر نخواهد بود.

شایان توجه است که قرآن فرمود: زیاد و پیوسته به یاد خدا باشید و این به این معناست که یاد خدا باید بر همه اعمال انسان پرتو افکن بوده و بر آن نور و روشنایی بیفکند و در همه صحنه‌های زندگی انگیزه مناسب الهی با یاد خدا برای عبادت و اطاعت بوجود خواهد آمد.

و به عبارت دیگر: هنگامی که یاد خدا برده می‌شود یک دنیا عظمت، قدرت، علم و حکمت در قلب انسان متجلی می‌گردد. زیرا خدای سبحان دارای اسماء حسنی و صفات علیا و صاحب تمام کمالات و منزّه از هرگونه عیب و نقص است، توجه مداوم به چنین حقیقتی که دارای چنان اوصافی است روح انسان را به نیکی‌ها و پاکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها پیراسته می‌دارد و در واقع اوصاف جمال الهی در آدمی تجلی

انسان با ایمانی که در جهت لقاء الهی و رستگاری و نجات خود در تلاش است نیازمند به دو نیروی توان بخش و حرکت آفرین و نگاهدارنده است. آن چه که در انسان تحرک ایجاد می‌کند یاد خدا و صفات جلال و جمال او و نعمت‌های بی‌پایانش است و آن چه که بازدارنده از موانعی چون خود بینی‌ها و تجاوزها است همانا یاد خداست.

از این رو قرآن کریم فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سیّحوه بکرة و اصیلاً»^(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید و او را به پاکی یاد کنید.»

انسانی که به یاد خدا باشد هم وظائف خود را برای رسیدن به لقاء الله به درستی انجام می‌دهد و هم از معصیت و نافرمانی اجتناب می‌کند. زیرا یاد خدا یعنی توجه به سرچشمه قدرت روحی و معنوی و عامل سعادت و کمال. از آن جایی که عوامل غفلت در

هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب و هدفی دارد که برای تحقق بخشیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند. زمانی انسان در راه رسیدن به هدف و مطلوب تلاش می‌کند که از سویی از نیروی تحرک بخش و انگیزاننده به سوی آن چه که مطلوب اوست برخوردار باشد و از سویی از نیروی بازدارنده و نگاه دارنده از آن چه که مانع رسیدن او به مطلوب یا موجب کندی پیشرفت او می‌گردد بهره‌مند باشد، و به عبارت دیگر: انسان در تلاش‌های فردی و اجتماعی خود به انگیزه احتیاج دارد تا در او تحرک ایجاد کند و او را وادار سازد به سوی مطلوب و هدف حرکت کند و به نیروی بازدارنده‌ای نیازمند است تا موانع رسیدن به مطلوب را کنار زند. از این رو انسان‌هایی که در زندگی هدف آن‌ها تأمین نیازهای مادی است انگیزاننده او جلب منفعت و بازدارنده او دفع ضرر است یعنی هرچه که سبب جلب منفعت بیشتر او گردد و سود بیشتری را متوجه او کند از آن استقبال می‌کند و هرچه که موجب ضرر شود از آن گریزان است.

می‌کند و آدمی که اوصاف جمال الهی در او تجلی کرد از گناه و فساد و آلودگی اجتناب می‌نماید.

در حقیقت یاد او، یاد مراقبت او، یاد حساب و جزای او، یاد دادگاه عدل او و بهشت و جهنم و دوزخ او است و این یاد است که جان را صفا و دل را نور و حیات می‌بخشد.

■ راز کثرت یاد خدا

این که قرآن در آیه مورد بحث از مؤمنان خواسته تا زیاد به یاد خدا بوده و در همه حالات و شؤون او را یاد کنند برای آن است که:

اولاً: شیطان در حال غفلت به انسان حمله می‌کند و اگر کسی به یاد خدا متذکر باشد به دام شیطان نمی‌افتد.

ثانیاً: یاد خدا سنت حسنه‌ای برای تقویت روح فرشتگی در انسان ذاکر است. زیرا ملائکه دائماً به یاد خدا هستند و هرگز خسته و افسرده نمی‌شوند: «یسبحون اللیل والنهار لایفترون»^(۲) تمام شبانه روز تسبیح خدا می‌گویند و سست نمی‌شوند. پس انسانی که می‌خواهد فرشته خو شود پیوسته به یاد خداست.

در کثرت یاد شده کمیت و کیفیت هر دو باید لحاظ شود زیرا خدای سبحان از ذکر بدون اخلاص و حضور قلب به عنوان ذکر قلیل و اندک یاد می‌کند: «ولایذکرون الله الا قلیلاً»^(۳) منافقان کم به یاد خدا هستند. زیرا ذکر آن‌ها بدون روح و زبانی است و در واقع ذکر کثیر یعنی ذکر با روح و با خلوص است که حافظ انسان است.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «ان الله سبحانه وتعالی جعل الذکر جلاءً للقلوب، تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعانده»^(۴) خدای سبحان یاد خود را مایه جلای قلب‌ها قرار داده که بر اثر آن گوش، پس از سنگینی (بر اثر غفلت) شنوا شود و چشم پس از کم سویی بینا گردد و از لجاجت و عناد به اطاعت و انقیاد باز گردد و رام شود.

هنگامی که انسان نام خدا را به عظمت می‌برد و اوصاف جمال و جلالش را از علم و قدرت و سمع و بصر و مقام رحمانیت و

رحیمیت و مراقبت او را نسبت به بندگان بر می‌شمارد و پرده‌های غفلت از مقابل چشم او کنار می‌رود و حق را به خوبی می‌بیند. غوغای هوا و هوس‌ها فرو می‌نشینند و ندای داعیان حق را شنیده و در برابر فرمان خدای متعال به انقیاد کامل دست می‌یابد.

■ معنا و حقیقت ذکر

ذکر در لغت به معنای مطلق یاد کردن و توجه داشتن است خواه به زبان باشد و خواه به قلب و دل و خواه به فعل و عمل، اما حقیقت ذکر: توجه قلبی و باطنی انسان به ساحت قدس پروردگار است در حقیقت ذکر خدا، عبارت است از یک حالت خدا بینی روحانی و توجه باطنی به خدای جهان به گونه‌ای که آدمی خدا را حاضر و ناظر خویش در محضر پروردگار جهان بداند، کسی که این چنین به یاد خدا باشد به دستورات خدا عمل می‌کند، واجبات را انجام می‌دهد و محرمات را ترک می‌کند.

حضرت علی(ع) فرمود: «لاتذکر الله سبحانه ساهياً و لاتنسه لاهیا واذکره ذکراً کاملاً یوافق فیه قلبک لسانک و یطابق اضمارک و اعلانک ولن تذکره حقیقة الذکر حتی تنسی نفسک فی ذکرک و تفقدها فی امرک»^(۵) خدای سبحان را از روی سهو و غفلت ذکر نگو و او را فراموش مکن، خدای را ذکر کامل بگو به طوری که قلب و زیانت همراه و باطن و ظاهر هماهنگ باشند، خدا را به حقیقت ذکر یاد نمی‌کنی جز در صورتی که در حال ذکر، نفس خودت را فراموش کنی و در انجام کار، خودت را نیابی.

عارفی گوید: ذکر روح عبادت عملی و نهایت ثمره آن است و آن را اولی است که موجب دوستی و حب خداست و آخری است که موجب انس به خداوند است زیرا مرید او آغاز کار با تکلف و زحمت ذکر خدا می‌کند تا بتواند دل و زبان خود را از وسواس منصرف کند، پس اگر موفق به مداومت بر ذکر گردد انس به خداوند پیدا می‌کند و حب مذکور یعنی خدا در دلش کاشته می‌شود.

جهت تنبّه و بیداری از مثالی استفاده می‌شود و آن این که، هرگاه در حضور یکی از ما از کسی ستایشی به عمل آید، او را به

داشتن صفات پسندیده یاد کنند، آن شخص به سبب شنیدن وصف او و کثرت ذکر خیر او، وی را دوست داشته و به او عشق ورزد. سپس به جهت یادآوری فراوان از او ناچار به یک یادآوری بیشتری از او دچار می‌گردد به حدی که تاب ندیدن او را ندارد، چرا که هر کس چیزی را دوست بدارد فراوان از او یاد می‌کند و هر که فراوان از چیزی یاد کند، هرچند با تکلف و زحمت هم باشد آن را دوست خواهد داشت.

همچنین ذکر خدا در آغاز کار با تکلف صورت گیرد تا این که میوه انس و دوستی او را به بار آورد و در آخر کار تاب آوردن بر عدم دیدار او ممکن نمی‌شود.^(۶)

بنابراین انسان گرچه به ذکر لفظی می‌پردازد اما آن چه مهم است که ذکر لفظی وسیله‌ای برای ذکر قلبی گردد به گونه‌ای که آدمی پیوسته خود را در محضر او دیده و او را حاضر و ناظر بر خود بداند.

■ مراتب ذکر

ذکر مقامی بسیار وسیع و دارای مراتب و درجاتی است که اولین مرتبه‌اش ذکر لفظی و زبانی و نهایت آن انقطاع کامل است.

الف: ذکر زبانی

کسی که به ذکر و یاد خدا است همینکه به خدا توجه کرد به قصد قربت اذکار مخصوص را بر زبان جاری سازد بدون آن که به معانی آن‌ها توجه داشته باشد.

ب: ذکر معنوی

انسانی که به قصد قربت ذکر می‌گوید، در همان حال معنای آن را بر ذهن خود خطور دهد و به دل سرایت دهد تا دل از آن متأثر گردد.

ج: ذکر قلبی

در این مرتبه زبان از قلب پیروی می‌کند و ذکر می‌گوید و در باطن ذات به مفاهیم ذکرها ایمان دارد که زبان با پیروی از قلب به گفتن ذکر مشغول می‌شود. این ذکر است که عمیق‌ترین اثرات روحی و معنوی را برای انسان داراست.

د: ذکر در تمام حالات

انسانی که دائم الحضور است و پیوسته خود را در حضور خدا می‌بیند و با او انس دارد و اگر لحظه‌ای غفلت کند احساس گناه

کرده و به درگاه خدا توبه می‌کند. البته این مرحله ویژه بندگان خاص خدا است که همیشه با یاد خدا پیوند برقرار کرده و هیچ نوع علاقه و تمایلی که معارض با حبّ الهی و رضا و خوشنودی او باشد در او راه نمی‌یابد.

■ مواقف ذکر

در آیات و روایات از مؤمنان خواسته است که پیوسته به یاد خدا باشند و ذکر و یاد خدا را عمل همیشگی خودشان بدانند و دربارهٔ اولوالالباب فرموده است: «الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»^(۹) آنان که در حال ایستاده و نشسته و آن گاه که به پهلو خوابیده‌اند به یاد خدا هستند. یعنی خردمندان همیشه و در همه حالات به یاد خدا هستند.

در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر چیزی حد و اندازه‌ای دارد جز ذکر و یاد خدا که هیچ حد و مرزی برای او نیست.»

«فرض الله عزّ و جلّ الفرائض فمن ادا هنّ فهو حدّ هنّ و شهر رمضان فمن صامه فهو حدّه و الحجّ فمن حجّ فهو حدّه الا الذکر فانّ الله عزّ و جلّ لم یرض منه باللیل و لم یجعل له حدّاً ینتهی الیه ثم تلا هذه الایه «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلاً» فقال لم یجعل الله عزّ و جلّ له حدّاً ینتهی الیه»^(۸) خدای سبحان فریضه‌ها را واجب کرده است هر کس آن را ادا کند حدّ آن را تأمین کرده است، هر کس در ماه رمضان روزه بگیرد، حدش انجام گردیده است و حج را هر کس بجا آورد همان حد آن است جز یاد خدا که خدای سبحان به کم آن راضی نشده و برای کثیر آن حدّی قائل نگردیده است سپس آیه را خواند که ای مؤمنان زیاد به یاد خدا باشید و صبح و شام او را تسبیح کنید یعنی خدا حدّ و مرزی برای ذکر قرار نداده است. سپس امام صادق فرمود: پدر من امام باقر(ع) کثیرالذکر بود و بسیار ذکر می‌گفت. هر وقت با او راه می‌رفتم ذکر خدا می‌گفت به هنگام غذا خوردن نیز به یاد خدا بود. حتی هنگامی که با مردم سخن می‌گفت از ذکر خدا غافل نمی‌شد. و می‌فرمودند: که در هر مجلسی به

یاد خدا باشید و اگر در مجلسی نیکان و بدان در آن حضور دارند، اگر بدون یاد خدا آن مجلس را ترک کنند در روز قیامت برای آن‌ها حسرت و افسوس خواهد بود.^(۹) با همه تأکیدهایی که در کثرت ذکر شده است اما در برخی مواقع تأکید بر ذکر و یاد به عمل آمده است زیرا آن مواقع اگر انسان دچار غفلت شود احتمال لغزش او فراوان است و آن موارد عبارتند از:

الف: هنگام ملاقات با دشمن

آدمی وقتی در میدان کارزار در برابر دشمن قرار گرفت به روحیه قوی نیازمند است تا دچار تزلزل نشود این جاست که او با یاد خدا روحیه سرباز مجاهد را تقویت می‌کند و در میدان جنگ احساس می‌کند که تنها نیست، تکیه گاه نیرومندی دارد که هیچ قدرتی در برابر او مقاومت نمی‌کند.

افزون بر آن یاد خدا، یاد دنیا و تعلقات دنیا را از دل او بیرون می‌کند و با آرامش و قوت و قدرت به فلاح و رستگاری و پیروزی نائل می‌شود: «یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئته فایتوا و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون»^(۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که گروهی از دشمنان را در برابر خود در میدان نبرد ببینید ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار و پیروز شوید.»

ب: هنگام خلوت و تنهایی

یکی از مواقعی که انسان باید بیاد خدا باشد زمانی است که تنهاست زیرا در حال تنهایی شیطان به انسان نزدیک و او را وسوسه می‌کند و با وسوسه کردن اوهام و افکار او را مشغول و زمینه‌های گناه را برای او فراهم می‌کند از این رو امام صادق(ع) فرمود: «شیعتنا اذا خلوا ذکروا الله کثیراً»^(۱۱) شیعیان ما وقتی تنها شدند زیاد خدا را یاد می‌کنند. و در روایت دیگری امام باقر(ع) فرمود: «فی التورات مکتوب فیما ناجی الله به موسی بن عمران به یا موسی خفنی فی سّر امرک احفظک من وراء عوراتک و اذکرنی فی خلواتک و عند سرور لذاتک اذکرک عند غفلتک»^(۱۲) در تورات نوشته شده است که هنگام مناجات موسی با خدا، خدا به او فرمود: ای موسی در پنهان از من بترس تا تو را حفظ کنم و در خلوت‌ها و

هنگام خوشی‌هایی که در اثر لذت حاصل می‌شود مرا یاد کن تا در غفلت‌ها به یاد تو باشم.»

ج: هنگام ورود به بازار

یکی از چیزهایی که انسان را از خدا غافل و در نتیجه زمینه خطا و گناه فراهم می‌کند توجه به دنیا و مظاهر دنیاست، انسانی که وارد بازار می‌شود اگر بازاری نباشد کالاهای دنیا در برابر او جلوه‌نمایی می‌کند و او را به خود مشغول می‌نماید اگر امکان فراهم کردن آن را نداشته باشد دچار حسرت و افسوس می‌شود و اگر امکان فراهم کردن آن را داشته باشد به خود آن مشغول می‌گردد و اگر بازاری باشد همیشه در معرض انواع آفت هاست آفت‌هایی چون گران فروشی، کم فروشی، غش و تقلب و خیانت در معاملات و امثال آن‌ها، اینجاست که انسان اگر بخواهد از این آفت‌ها خود را مصون بدارد نیازمند به نیروی باز دارنده بسیار قوی است که از درون او را کنترل کند و این نیروی بازدارنده قوی همانا یاد خداست. حضرت علی(ع) فرمود: «اکثروا ذکر الله اذا دخلتم الاسواق و عند اشتغال الناس فانه کفّارة للذنوب و زیادة فی الحسنات و لاتکتبوا فی الغافلین»^(۱۳) هنگامی که وارد بازار می‌شوید و هنگام اشتغال مردم، بسیار خدا را یاد کنید که یاد خدا کفّاره گناهان و افزایش حسنت است و انسانی که به یاد خدا باشد در ردیف اهل غفلت نوشته نمی‌شود.»

۱- پای بندی به اطاعت خدا

انسانی که پیوسته به یاد خداست در باطن ذات خود جمال الهی مشاهده می‌کند و خود را در محضر او می‌بیند و انسانی که همواره خود را در محضر خدا ببیند از دستوراتش پیروی می‌کند، فرمان‌های الهی را اجرا و از نواهی او اجتناب می‌کند و اگر انسانی خواست بداند به یاد اوست مقدار تعهد خود را نسبت به اوامر و نواهی الهی مشاهده کند در صورت پای بندی به آن در مقام ذکر خواهد بود.

امام صادق (ع) فرمود: «من كان ذا كراً لله على الحقیقه فهو مطیع و من كان غافلاً فهو عاصی»؛ هر کس واقعاً، به یاد خدا باشد مطیع او خواهد بود و هر که غافل باشد گناهکار است.

۲- بصیرت و بینش درونی

یکی از آثار ذکر خدا دست یافتن به روشن بینی و بصیرت درون است انسانی که به این حالت روشن بینی رسید شیطان را دیده و او را دفع می‌کند قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۲۰۳ فرمود: «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون؛ آنان که از تقوا برخوردارند هنگامی که دسته‌هایی از شیطان او را مس کنند، متذکر شده و به یاد خدا می‌افتند و در این حال آن‌ها دیده می‌شوند.» یعنی افراد با تقوا هنگامی که با وسوسه‌های شیطانی مواجه شوند با یاد خدا و نعمت‌های بی پایانش و با یاد عواقب شوم گناه و مجازات دردناک آن، ابرهای تیره و تار وسوسه‌های اطراف قلب آن‌ها کنار می‌رود و راه حق را به روشنی می‌بیند. برای توضیح مطلب توجه به دو نکته لازم است:

الف: شیطان به هر موجود متمرد و سرکشی اطلاق می‌شود که در صدد آزار رساندن به انسان است و این شیطان به صورت‌های گوناگون در برابر انسان ظاهر می‌شود تا او را اغوا کرده و به انحراف و گناه بکشاند.

ب: از منظر قرآن، شیطان دشمن سرسخت انسان است و همواره با وسوسه کردن او، موجبات ضلالت و گمراهی او را فراهم می‌کند و باعث بدبختی او می‌گردد بنابراین انسانی که در معرض وسوسه و

در این روایت از مؤمنان خواسته است هنگام تصمیم‌گیری و همت بر انجام کارها و در حالت قضاوت و داوری که آدمی همیشه در معرض خطاست و در موقع تقسیم کردن که به طور طبیعی امکان لغزش وجود دارد، به یاد خدا باشند تا در این شرایط از لغزش مصون بمانند.

در حقیقت ذکر و یاد خدا برای آن است که انسان در برابر لغزش‌ها مصونیت پیدا کند از این رو در شرایطی که امکان لغزش بیشتر است یاد خدا نمودن تأکید شده است.

در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من اطاع الله فقد ذكر الله و ان قلت صلاته و صيامه و تلاوته و من عصی الله فقد نسی الله و ان كثرت صلاته و صيامه و تلاوته»؛ هر کس خدا را اطاعت کند، در حقیقت خدا را یاد کرده است، گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن کم باشد و کسی که خدا را معصیت کند، در حقیقت خدا را فراموش کرده است گرچه قرآن خواندن و نماز و روزه‌اش زیاد باشد. در واقع اثر مهم یاد خدا به طاعت خدا و ترک معصیت اوست.

■ آثار ذکر

با توجه به این، ذکر و یاد خدا یک مقام باطنی و استکمال حقیقی معنوی و روحانی است و انسانی که به یاد خدا می‌پردازد و در قلب خود به یاد خداست آثار و علائمی دارد که با آن آثار از انسان غافل از خدا امتیاز داده می‌شود و وجود آن کمال و حقیقت باطنی با آن آثار شناخته می‌شود که برخی از آن آثار عبارتند از:

د: هنگام خشم و غضب

یکی از مواردی که انسان دچار لغزش می‌شود هنگامی است که دچار حالت خشم و غضب شود. زیرا انسانی که دچار حالت خشم شود زبانش در اختیارش نیست، و گاهی اعضا و جوارح او در اختیارش نیست از این رو زبان به بدگویی می‌گشاید و به دیگران فحش می‌دهد و یا ممکن است فردی را مورد ضرب و شتم قرار دهد و به طور کلی به حرکات و رفتار ناهنجار دست یازد و اگر آدمی در این حال بخواهد بر خود مسلط شده و بر خود و اعضا و جوارح خود مسلط باشد به عمل بازدارنده‌ای بسیار قوی نیازمند است و آن عامل قوی همان یاد خدا است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «يقول الله عز و جل يا ابن آدم اذكري حين تغضب اذكري حين اغضب فلا امحكك فيمن امحك»؛ (۱۴) خدای سبحان می‌فرماید: ای فرزند آدم هنگام خشم و غضبت به یاد من باش تا من هنگام غضب به یاد تو باشم و در موردی که کسی را هلاک و نابود می‌کنم تو را نابود نسازم.

ه: هنگام تصمیم‌گیری و...

آدمی هنگامی که برای کارها تصمیم‌گیری می‌کند باید به یاد خدا باشد از این رو پیامبر خدا (ص) فرمود: «اذكروا الله عند همك و عند لسانك اذا حكمت و عند يدك اذا اقسمت»؛ (۱۵) در سه زمان به یاد خدا باشید: ۱- هنگامی که بر انجام کاری تصمیم گرفتی ۲- هنگام داوری و قضاوت در پیشگاه زبان ۳- در موقع تقسیم وقتی دستت را می‌گشایی.

اغواء دشمن سر سختی قرار دارد که قسم خورده تا او را منحرف سازد به ابزاری نیازمند است که با آن بتواند شیطان را طرد و با او مقابله کند و ذکر و یاد خدا تنها وسیله سلامت از وسوسه‌های شیطان و طرد اوست. امام علی(ع) فرمود: «ذکر الله رأس مال کل مؤمن و ربحه السلامة من الشیطان»^(۱۸) یاد خدا سرمایه مؤمن است که سود آن سلامتی از وسوسه‌های شیطان است.

و همان حضرت فرمود: «ذکر الله مطردة الشیطان»^(۱۹) یاد خدا وسیله طرد و دفع شیطان است.

در آیه مورد بحث نیز گروه شیطان را به مانند دشمنی معرفی کرده است که در اطراف قلب انسان طواف می‌کند تا راه نفوذی به قلب پیدا کند.

این جاست که آدمی نیاز به دیدبانی است آگاه و هوشیار که مراقبت و نگهبانی داده تا این دشمن به حریم قلب او راه نیابد و یاد خدا آن وسیله‌ای است که پرده‌های غفلت را کنار زده و اطراف قلب او را روشن و نورانی می‌کند در این صورت شیطان دیده شده و با دیده شدن دشمن به طور طبیعی آدمی آنرا دفع و طرد می‌کند و به بیان دیگر: راه ورود شیطان در انسان دو چیز است:

الف: نارسایی و ناتوانی فکری و عقلی که موجب ایجاد انحراف فکری و لغزیدن به سوی باطل می‌شود. راه مقابله با نفوذ شیطان در این رابطه تقویت نیروی عقل از طریق تعقل و تفکر و تحصیل علوم و حقایق یا رسیدن به مرحله یقین می‌باشد و انسانی که به مقام یقین رسید که شیطان دشمن سرسخت اوست و می‌خواهد نورانیت و روشنایی را از انسان بگیرد و او را دچار ظلمت‌ها و تاریکی‌ها سازد به طور طبیعی با او برخورد می‌کند و این همان تقوای علمی و معرفتی است که جهل و ناتوانی فکری را دفع می‌کند.

ب: نارسایی‌های روحی و ردائیل اخلاقی مانند هوس و تمایلات، حرص و حسد و کبر که شیطان از این طریق در انسان نفوذ کرده و او را به گناه وا می‌دارد و انسانی که از تقوا برخوردار است و از خدا پروا می‌کند با هوس

و ردائیل مبارزه کرده و فقط خدا در قلب او حضور دارد و انسانی که به یاد خداست و خدا در قلب او حضور دارد با این امور نیز برخورد می‌کند. بنابراین پروا پیشگان با ذکر و یاد خدا عامل نفوذ شیطان یعنی جهل، غفلت، نسیان و هوس‌ها را به قلب خود می‌بندد.

۳- آرامش قلبی و روحی

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلای انسان‌ها بوده و هست و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است و در برابر آن آرامش از ارزش‌مندترین نعمت‌های الهی در زندگی انسان بوده و در سعادت انسان نقش مهمی ایفا می‌کند، قرآن کریم با یک جمله کوتاه نزدیک‌ترین راه برای کسب آرامش را به انسان معرفی کرده و فرموده: «الذین آمنوا و تطمئن القلوب»^(۲۰) آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است، آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

برای اینکه روشن شود ذکر خدا چگونه موجب آرامش می‌شود در آغاز باید به عوامل اضطراب اشاره کرد:

به طور کلی عوامل اضطراب و دل هره را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اول: انواع مصیبت‌ها از قسبیل بیماری‌های خود و بستگان، مرگ خود و وابستگیان، ظلم‌ها و تعدیات و حق‌کشیهای دیگران، ناسازگاری‌ها و مزاحمتها.

دوم: ناراحتی و حسرت در اثر فقدان امور دنیا که به آن‌ها دسترسی ندارد.

سوم: ترس از این که آن را دارد از دست بدهد، می‌ترسد اموالش از بین برود، ترس از این که فرزندش را از دست بدهد، ترس از این که بیمار شود یا بمیرد. احتمال زوال نعمت‌ها و مانند آن آرامش را از انسان سلب می‌کند.

چهارم: گاهی انسان به دلیل احساس بوجی زندگی و بی معنا دانستن آن، دچار اضطراب و دلهره می‌شود.

پنجم: گاهی انسان به دلیل احساس تنهایی چه تنهایی فیزیکی به این گونه که

در محیطی به تنهایی زندگی کند و چه تنهایی روانی و روحی به این صورت که احساس می‌کند کسی به او توجه نمی‌کند و از زحمت او قدردانی نمی‌کند.

با توجه به این عواملی که برای اضطراب برشمرده شد، یاد خدا در صورتی که آن یاد حقیقی و قلبی باشد در او حالت آرامش ایجاد می‌کند زیرا انسانی که همیشه خدا را با خود می‌بیند و عظمت و جلال و جمال الهی برای او تجلی می‌کند و او را سرچشمه همه کمالات و خیرات به لحاظ این که خدا را دارد همه چیز را دارد و چون خدا را دارد به امور دنیا دلبستگی ندارد تا از فقدان آن‌ها در ترس و اندوه باشد و هنگام وقوع حوادث ناخوشایند او را مونس خود می‌داند و در حال تنهایی همواره او را با خود می‌یابد. از این رو امام حسین(ع) در دعای عرفه فرمود: «ماذا وجد من فقدک و ما الذی فقد من وجدک»^(۲۱) آن که تو را یافت چه چیزی را از دست داده است و کسی که تو را از دست داد چه چیزی یافته است. در واقع انسان مؤمن با یاد خدا و وجدان و یافتن او همه چیز را یافته است زیرا خدایی را دارد که همه چیز را دارد.

قرآن کریم فرمود: «من اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً»^(۲۲) اگر کسی از یاد خدا اعراض کند گرفتار معیشتی ضنک و زندگی تنگ خواهد شد. زیرا کسی که خدا را فراموش و با او قطع رابطه کند، چیزی غیر از دنیا برای او نمی‌ماند که به او دل ببندد. در نتیجه تمام تلاش‌های خود را منحصر در آن می‌کند و فقط به اصلاح زندگی دنیا می‌پردازد و روز به روز آن را توسعه می‌دهد و این زندگی او را آرام نمی‌کند. زیرا همواره عمر او میان دو چیز خلاصه می‌شود اولی تلاش برای بدست آوردن چیزهای جدید و دوم ترس از جدا شدن از دارایی‌ها.

اصولاً تنگی زندگی به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است به خاطر عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است و آن کس که به خدا ایمان دارد و دل به ذات او بسته، از همه نگرانی‌ها در امان است.